مجله علمی پژوهش درمدیریت ومطالعات اجتماعی (سال پنجم)
شماره ۱۶ / تابستان ۱۳۹۸ / ص ۹۷-۸۱

رابطه قدرت در خانواده با نگرش فرزندان دختر نسبت به والدینشان

افسانه توحیدی[۱]، فرنازالسادات پورحسینی[۲]

[۱] استادیار روان شناسی تربیتی، بخش روان شناسی، بخش روان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، دانشگاه شهید باهنر کرمان

[۲] کارشناس ارشد مشاوره خانواده، بخش روان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

نویسنده مسئول:

افسانه توحیدی

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه قدرت در خانواده با نگرش فرزندان دختر نسبت به پدر، مادر، و والدین انجام شد. روش توصیفی از نوع همبستگی بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ساده ۲۷۴ دانش‌آموز دختر انتخاب و پرسشنامه‌های ساختار قدرت در خانواده و نگرش فرزندان نسبت به والدین تجدید نظر شده را تکمیل کردند. نتایج تحلیل رگرسیون به روش هم‌زمان نشان می‌دهد که بین نگرش نسبت به پدر و نگرش نسبت به مادر با هم و شیوه‌های اعمال قدرت با نگرش نسبت به پدر رابطه وجود دارد. ساخت روابط قدرت در خانواده و قلمروهای قدرت با نگرش نسبت به پدر رابطه ندارند. ساخت روابط قدرت در خانواده، قلمروهای قدرت، و شیوه‌های اعمال قدرت با نگرش فرزندان دختر نسبت به مادر و یا والدین رابطه ندارند. در کل، نتیجه گرفته می‌شود که ساختار قدرت نقش اندکی در رابطه با نگرش فرزندان دختر دارد. به جای اعمال قدرت، اخلاق خوش، روابط صمیمانه، و تصمیم‌گیری‌های عادلانه در ایجاد نگرش مثبت آن‌ها نقش دارد.

واژگان کلیدی: نگرش، ساختار، روابط، قلمرو، اعمال

۱- مقدمه

از سه دیدگاه روان‌شناسی تربیتی، جامعه‌شناختی، و روان‌جامعه شناختی خانواده اهمیت فراوانی دارد (پزشک فلاح، ۱۳۹۶). خانواده بنیادی-ترین وظیفه یعنی تربیت (گلی، ۱۳۹۴؛ قاعدی موصلو، حسن‌شاهی، و سعادت، ۱۳۹۴؛ لندری[۱] ۲۰۱۴؛ محمدی، ۱۳۹۱)، آموزش اخلاق (حسن‌زاده، ۱۳۹۳؛ فرهود، ۱۳۹۱)، آموزش ارتباط موثر (باراتو، گراهام، و پرس[۲] ۲۰۰۳؛ عطایی‌فر و امیری، ۱۳۹۵)، و در نتیجه ایجاد نگرش‌هایی[۳]را در فرزندان بر عهده دارد (سکا و میوراتی[۴] ۲۰۱۶؛ لندری، ۲۰۱۴). منظور از نگرش شیوه زندگی افراد یا الگوهای مطلوب یا نامطلوب زندگی است که باعث تعادل یا تعارض بین والدین و فرزندان می‌شوند (معیدفر و صبوری خسروشاهی، ۱۳۹۰) و به طور معمول با اخلاق یا میزان گرمی و پذیرش یا سردی و طردی که در روابط فرزند- والد[۵]وجود دارد، و محدوده‌ای که در آن والدین سهل‌گیر یا محدودکننده در محدودیت‌هایی که برای فرزندانشان قائل هستند، تعریف می‌شود (گروسک و دانیلیوک[۶] ۲۰۰۷). آشکارا نگرش والدین نسبت به فرزندانشان به صورت متقابل بر نگرش فرزندان نسبت به والدینشان اثر می‌گذارد (ایتکین[۷] ۱۹۵۵؛ توحیدی، ۱۳۹۲؛ چودهاری و جابین[۸] ۲۰۰۸؛ کاریموا، الکشوا، یسنگلووا، کولباوا، و سارکولاو[۹] ۲۰۱۵؛ مندمی و رحیمی، ۱۳۹۵). گویلی و هادسون[۱۰](۱۹۷۷) برای اولین بار اصطلاح نگرش نسبت به والدین[۱۱]را به کار برد که بعدها توسط هادسون[۱۲](۱۹۸۲؛ نقل از گروتوانت و کارلسون[۱۳]۱۹۸۹) پالایش یافت و آن عقیده‌ای که فرد نسبت به تمام اتفاقات و افراد پیرامون خود دارد و از طریق آن می‌شود احساسات و هیجانات فرد را مشخص کرد، تعریف می‌شود (هادسون، ۱۹۸۲؛ نقل از همان) و همان اخلاق و نحوه تفکری است که فرزندان نسبت به پدر و مادر خود دارند که می‌تواند نگرش والدین را نسبت به آن‌ها پیش‌بینی نماید (توحیدی، ۱۳۹۲). خانواده محیطی است که در آن تجربه‌های اولیه فرزندان، اخلاق (عمر و جابین[۱۴]۲۰۱۵)، نگرش، و تثبیت آن شکل‌می‌گیرد (گارباز و کران[۱۵]۲۰۱۸؛ محمدی، ۱۳۹۱). شیوه‌های تمرکز قدرت[۱۶]در بین اعضای خانواده در پرورش فرزندان و نگرش نسبت به والدین نیز اثر می‌گذارد (ساربان، عیسی مراد و طبیبی، ۱۳۹۲). بنابراین آشکارا خانواده نقش مهمی را در نوع اخلاق و ایجاد نگرش فرزندان ایفا می‌کند (توحیدی، ۱۳۹۲؛ چودهاری و جابین، ۲۰۰۸؛ کاریموا و همکاران، ۲۰۱۵؛ گویلی و هادسون، ۱۹۷۷؛ محمدی، ۱۳۹۱؛ مندمی و رحیمی، ۱۳۹۵).

ساختار قدرت در خانواده[۱۷]یکی از عوامل احتمالی زمینه‌ساز در ایجاد نگرش است (ظهیری و فتحی، ۱۳۸۹؛ محمدی، ۱۳۹۱). همان طور که نگرش را می‌توان در رفتار مشاهده کرد، مفهوم قدرت را نیز می‌توان در رفتار قابل مشاهده در محیط خانواده جست‌وجو کرد. قدرت به معنی داشتن توانایی در کنترل رفتار و اعمال سایر افراد علی‌رغم میل باطنی آن‌ها است (برون[۱۸]۱۹۹۴ نقل از مهدوی و صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۲؛ هورتن[۱۹]۱۹۷۲؛ نقل از همان) و قدرت در خانواده به این معنی که در خانواده چه کسی اعمال قدرت می‌کند و هر نوع تصمیم‌گیری اصلی در خانواده متوجه چه کسی است، تعریف می‌گردد (اولسون دیوید،[۲۰]۱۹۶۹؛ خاکپور، نظری، و زهراکار، ۱۳۹۴؛ معیدفر و همکاران، ۱۳۹۰؛ موحد، عنایت و مردانی، ۱۳۹۱) و به زبانی دیگر قدرت در خانواده این گونه تعریف می‌گردد: ساخت روابط قدرت[۲۱]چگونه است؟ در خانواده چه کسی نظر و قدرتش را اعمال می‌کند؟ حوزه‌ها یا قلمروهای اعمال قدرت[۲۲]چه هستند؟ شیوه‌های اعمال قدرت در خانواده[۲۳]و به عبارتی تصمیم‌گیری‌های اصلی در خانواده متوجه چه کسی است (مهدوی و صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۲). ساختار قدرت

۱- Landry
۲- Barbato, Graham, & Perse
۳- attitude
۴- Ceka & Murati
۵- parent-child relationship
۶- Grusec & Danyliuk
۷- Itkin
۸- Choudhury & Jabeen
۹- Karimova, Alekeshova, Yesengulova, Kulbaevac, & Sarkulov
۱۰- Giuli & Hudson
۱۱- Child’s attitude toward father and mother
۱۲- Hudson
۱۳- Grotevant & Carlson
۱۴- Omer & Jabeen
۱۵- Gürbüz & Kıran
۱۶- power
۱۷- family power structure
۱۸- Browne
۱۹- Horton
۲۰- Olson David
۲۱- power relationship structure of the family
۲۲- power domains of the family
۲۳- implementing power of the family

حوزه‌های نظیر ارزش‌ها و نگرش‌ها (استقلال و آزادی)، پذیرش (اعتماد، احترام، و قدرشناسی)، رضایت‌مندی (راضی‌بودن و تحمل‌کردن)، نیازمندی (نیاز در حال حاضر و نیاز در آینده)، مالکیت اختیارات (امکانات مالی و تصمیم گیری)، ارتباطات (مذاکره و مشاوره جویی)، و همکاری (اشتراک مساعی و رابطه با فرزندان) را شامل می‌شوند (محمدی، ۱۳۹۱). می‌توان شیوه تصمیم‌گیری مقتدرانه[۵] و دموکراتیک[۶] را به عنوان ساختار قدرت در خانواده در نظر گرفت. در شیوه دموکراتیک، همه اعضای خانواده حضور فعال در اخذ تصمیم خواهند داشت به گونه‌ای راه برای پذیرش والدین از طرف فرزندان باز می‌شود. اما در شیوه مقتدرانه دارند و فقط یکی از اعضا تصمیم می‌گیرد مانع اظهار نظر فرزندان خود و سبب نادیده گرفتن نظر فرزندانشان می‌شوند. بی‌توجهی به نظر فرزندان در خانواده ممکن است باعث نپذیرفتن یا طرد والدین از سوی کودک شود (ظهیری و فتحی، ۱۳۸۹).

یکی از مشکلات بین والدین و فرزندان نبود توازن و جهت‌گیری رفتارها بر اساس نگرشی است که فرزندان نسبت به یک یا هر دو والد (کلانترهرمزی و کانی‌سانان، ۱۳۹۴)، سبک زندگی، و تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های خانواده بین والدین و فرزندان دارند (معیدفر و همکاران، ۱۳۹۰). یکی از نتایج تمرکز قدرت در والدین از بین رفتن حس مسئولیت و تصمیم‌گیری فرزندان است که باعث می‌شود در بزرگسالی نیز در شرایط تصمیم‌گیری احتیاج به یک نیروی پشتیبان داشته باشند و تصمیم‌های مهم زندگی خود را به دست دیگران بسپارند. مسلما والدینی که سعی در تحکیم قدرت خود دارند و حق اظهار نظر نمی‌دهند، باعث دلزدگی فرزندان نسبت به والدین، بی‌علاقگی به انجام کارها، و ناتوانی در اداره زندگی آینده خود می‌شوند. در این راستا، نتایج بسیاری از پژوهش‌ها تایید می‌کنند که شیوه ساختار قدرت در خانواده موجب تجلی نگرش‌های متفاوت بین والیدن و فرزندان می‌شود (ثقفی‌نژاد، پورکسمایی، و فلاحی، ۱۳۹۰). نتایج سایر مطالعات نیز نشان دادند که در ساختار قدرت مقتدرانه، گرچه والدین اهمیت زیادی برای تربیت فرزندان خود قائل‌اند، اما محبت و پذیرش لازم را از آن‌ها دریغ می‌کنند. بنابراین این یک حقیقت است که بین ساختار قدرت در خانواده و محبت و پذیرش فرزندان رابطه وجود دارد (اقدسی، نجفی، اسماعیلی، پناه علی، و محمدی، ۱۳۹۰).

با توجه به نقش جنسیت در خانواده، یافته‌ها نشان می‌دهند که در ساختار قدرت در خانواده زنان در مقایسه با مردان و فرزندان دختر نسبت به برادران خود جایگاه پایین‌تر و متفاوتی دارند. به نظر می‌رسد که زنان قدرت بالایی در بعد احساسی- عاطفی و از نظر نقش ابـزاری از موقعیـت کهتری نسبت به مرد برخوردارند. فرزندان دختر نیز نسبت به پسران در سطح پایین‌تری از قدرت با وجه احساسی- عاطفی قرار دارند (پارسونز[۲۴]،۱۹۹۵؛ نقل از زارعی توپخانه، جان بزرگی، و احمدی محمدآبادی، ۱۳۹۲). در مقابل مدافعان برابری حقوق زنان با مردان (فمینیسمت‌ها[۲۵]) معتقدند که علت این نابرابری‌ها، دسترسی کمتر به منابع مالی، نداشتن پایگاه اجتماعی برابر، توزیع بهره‌وری ناعادلانه از قدرت و فرصت برای خودشکوفایی در جامعه است. بیشتر علت نابرابری وجود نقص سازمانی و سازماندهی در جامعه است تا منشأ زیستی و یا وجود تفاوت‌های شخصیتی بین زن و مرد (زارعی توپخانه و همکاران، ۱۳۹۲). دلیل هر چه باشد نمی توان کتمان کرد که اگر والدین و به ویژه پدر نتواند در ساختار قدرت رابطه منطقی با فرزند دختر خود داشته باشد دخترش را به سمت نابهنجاری‌ها سوق می‌دهد. او را وادار به چالش و مبارزه منفی در زمان روبرو شدن با مشکلات و معضلات اجتماعی می‌کند. به طور مثال، جهانشاهی (۱۳۹۲) نشان داد که اصولا والدین در روابط خود و فرزندپروری نسبت به دختران خود بیشتر روش استبدادی دارند تا پسران. حمیدی (۱۳۸۳) در پژوهشی در مورد دختران فراری به ساخت خانواده، بداخلاقی والدین، نداشتن روابط سرد، نامطلوب، و ناسازگارانه با والدین اشاره کرده است. نداشتن گرمی و صمیمت با پدر و تندی اخلاق او یکی از عوامل اصلی فرار است. یعنی وقتی از دختران فراری پرسیده می‌شود که اگر رازی داشته باشید آن را دوست دارید با چه کسی مطرح کنید؟ آن‌ها کمترین درصد (۲۰٪/۲) را به پدر اختصاص دادند و حاضر نیستند که آن را با پدر خود در میان گذارند. از بین این دختران، ۶۷٪ از یکی از اعضای خانواده به شدت می‌ترسیدند که از این درصد ۵۰٪ آن مربوط به ترس از پدر مقتدر می‌شد. در کل ۸۴٪ سابقه تنبیه بدنی شدید (کتک و اخراج از خانه) را از طرف پدر و ۱۶٪ از طرف برادر داشته اند. بلالی، خان‌محمدی، و هوشمندی یاور (۱۳۹۳) در پژوهشی در مورد دختران فراری نیز به عواملی از جمله تضاد دختران با والدین، بداخلاقی، بدرفتاری والدین، نداشتن روابط گرم و صمیمانه با والدین به ویژه پدر، خشونت‌های روحی و جسمی به ویژه از جانب پدر (۵۳٪ پدر معتاد؛ ۴۷٪ آزار بدنی و کتک)، و وجود تبعیض جنسیتی بر علیه دختران ذکر کرده‌اند و ۶۵٪ درصد از دختران فراری از رابطه خودشان با پدرشان ابراز نارضایتی کردند.

---

۲۴ - Parsons
۲۵ - Feminists

۲- پیشینه پژوهش

روان‌شناسی تربیتی موضوعات زیاد و گوناگونی از جمله اخلاق، نگرش، جنسیت، و ارتباط آن‌ها را با هم در حوزه خانواده را مورد بررسی قرار می‌دهد (ریچاردسون و بردلی[۲۶]۲۰۱۴). گرچه روان‌شناسی خانواده به حوزه روان‌شناسی مشاوره مربوط می‌شود (دلوس و دریپر[۲۷] ۲۰۱۰). به نظر می‌رسد که ساختار قدرت در خانواده بحثی جامعه‌شناختی باشد (موسوی[۲۸]۲۰۰۴). در هر صورت ساختار قدرت و نگرش دو سازه مجاور و همپوش هستند (تقی‌یاره، ۱۳۹۲)، بیشتر روان‌شناسی (وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری، ۱۳۹۱)، و البته می‌تواند بین رشته‌ای (روان‌جامعه شناختی خانواده) محسوب شود (فراهانی و خانی‌پور، ۱۳۹۵).

در مورد ساختار قدرت در خانواده و نگرش فرزندان و در اینجا فرزندان دختر، با توجه به بین رشته‌ای بودن پژوهش تا کنون با توجه به جستجوهای کتابخانه‌ای و اینترنی پژوهشی یافت نشده است. یافته‌ها بیشتر اشارات ضمنی هستند که از نتایج آن‌ها می‌توان استنباط کرد که باید بین ساختار قدرت در خانواده و نگرش فرزندان نسبت به والدین رابطه‌هایی وجود داشته باشد. بنابراین پژوهش حاضر به ناچار به گزارش نتایج این یافته‌ها پرداخته است. به طور مثال:

شکوهی یکتا، پرند، و فقیهی (۱۳۸۹) نشان دادند که بین ساختار قدرت در خانواده با امیدواری فرزندان رابطه معناداری وجود داشت و خانواده‌هایی که سبک قدرت مقتدرانه‌ای داشتند فرزندانشان نسبت به سایر کودکان و نوجوانان امیدواری بیشتری داشتند. سپهری و پاکدامن (۱۳۸۹) نشان دادند که هنگامی که اعضای خانواده در مورد مسائل مختلف با یکدیگر گفتگو و بحث می‌کردند، فرزندان برای حل مشکلات خود با خانواده، روش‌هایی را به کار می بستند که مشارکت آن‌ها را در برداشته باشد. کاراپیتو، ریبیرو، پریرا، و روبرتو[۲۹](۱۹۹۵) نشان داد که در خانواده‌های سهل‌گیر و یا مستبدانه[۳۰]که قدرتی وجود ندارد و یا قدرت بین یک یا دو نفر از والدین متمرکز است شخصیت فرزندان به گونه سالم رشد نکرده است و دچار روند منفی رشد نامتعادل شده‌اند. شکوهی یکتا و همکاران (۱۳۸۵) نیز نشان دادند که در خانواده‌هایی که قدرت صرفاً در دست والدین است پذیرش و محبت نسبت به فرزندان کم است و یا اصلا دیده نمی‌شود. بامریند[۳۱](۱۹۷۱، ۱۹۹۹) نشان داد که پدرها و مادرهایی که شیوه دیکتاتوری را در خانواده خود اعمال کرده‌اند رابطه دوستانه با فرزندان خود نداشتند، علاوه بر بداخلاقی،مرتب آن‌ها را تحقیر و تنبیه کرده‌اند. بر عکس والدین با سبک اقتداری، رابطه گرم و صمیمانه‌ای با فرزندان خود داشتند، در تمام مراحل زندگی فرزندانشان را حمایت کردند، و قادر به برقراری ارتباط سالم و مثبتی با فرندانشان بودند. هم‌چنین والدین سهل‌گیر که هیچ کنترل و نظارتی بر فرزندان خود نداشتند، فرزندان دچار سردرگمی شدند (به نقل از اقدسی و همکاران، ۱۳۹۰). شکوهی یکتا و همکاران (۱۳۸۵) نشان دادند که فرزندپروری مسئولانه در گرایش فرزندان نسبت به والدین نقش مؤثری داشته و سایر سبک‌ها سبب آسیب‌هایی شده است.

۳- فرضیه‌ها

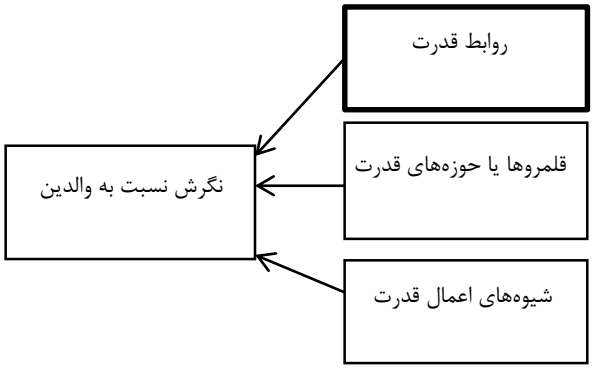
اهمیت ساختار قدرت در خانواده و تغییر نگرش فرزندان از جمله دختران، زیاد احساس می‌شود؛ چرا که فرزندان و از جمله دختران امروز خود را در توزیع قدرت خانواده سهیم و صاحب‌نظر سوم می‌دانند. بنابراین با توجه به جدید بودن موضوع، ضرورت دارد که پژوهشی در این حوزه انجام شود تا بتوان با استفاده از نتایج، بخشی از مسائل فرزندان و خانواده را مرتفع ساخت. لذا هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه ساختار قدرت در خانواده با نگرش دانش‌آموزان دختر نسبت به والدین خود و پاسخ به سؤال‌های زیر است:

۱-آیا نگرش نسبت به پدر، نگرش نسبت به مادر را تبیین می‌کند؟
۲-آیا ساختار کلی قدرت در خانواده نگرش نسبت به والدین و جدا نسبت به پدر و مادر را تبیین می‌کند؟
۳-آیا مؤلفه‌های ساختار قدرت در خانواده نگرش نسبت به والدین و جدا نسبت به پدر و مادر را تبیین می‌کند؟

---

[۲۶] - Richardson & Bradley
[۲۷] - Dallos & Draper
[۲۸] - Mousavi
[۲۹] - Carapito, Ribeiro, Pereira, & Roberto
[۳۰] - authoritarian
[۳۱] - Baumrind

بر این اساس مدل پژوهش در شکل ۱، ارائه می گردد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

۴- روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. روش نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای ساده و درون هر خوشه تصادفی ساده بود. حجم نمونه با توجه به جدول مورگان و ریزش ۱۵٪، ۲۷۴ دانش‌آموز دختر پیش‌دانشگاهی، آموزش و پرورش ناحیه یک شهر کرمان در رده‌های سنی ۱۷ تا ۱۸ سال برآورد شد.

برای سنجش نگرش از پرسشنامه ۲۵ سؤالی نگرش فرزند نسبت به والدین[۳۲] استفاده شده است (توحیدی، ۱۳۹۲). آن شکل کوتاه شده دو پرسشنامه نگرش فرزندان نسبت به پدر و مادر (هر پرسشنامه با ۲۵ سؤال) هادسون (۱۹۹۲) است که در اصل توسط گویلی و هادسون (۱۹۷۷) به منظور اندازه‌گیری میزان مشکلات کودکان در روابط با والدینشان جهت بررسی بالینی تدوین و اجرا شد. بعدها توسط هادسون (۱۹۹۲) مورد تجدید نظر قرار گرفت. برای محاسبه پایایی هادسون (همان) با استفاده از روش آلفای کرانباخ ۰/۸۵ به دست آورد. پرسشنامه با توجه به طیف هفت گزینه‌ای لیکرت به این ترتیب نمره‌گذاری می‌شود: یک (۱) = هیچ‌وقت، دو (۲) = خیلی به ندرت، سه (۳) = کمی از اوقات، چهار (۴) = بعضی از اوقات، پنج (۵) = خیلی از اوقات، شش (۶) = اکثر اوقات، و هفت (۷) = همیشه. جمع نمرات ۲۶ سؤال مطرح در پرسشنامه میزان نگرش فرزندان نسبت به والدین را نشان می‌دهد. که می‌تواند در دامنه‌ای بین ۲۶ تا ۱۸۲ قرار گیرد توحیدی (همان) دو مقیاس نگرش نسبت به پدر و نگرش نسبت به مادر را با هم اجرا و برای نگرش نسبت به پدر ۱۱ سؤال و برای نگرش نسبت به مادر ۱۴ سؤال بدست آورد. برای محاسبه روایی دو پرسشنامه از روش تحلیل عاملی به شیوه مؤلفه های اصلی استفاده شد که نشان داد هر دو نسخه از روایی محتوایی (روش صاحب نظران) بالایی برخوردار بودند. برای محاسبه پایایی از روش آلفای کرانباخ استفاده شد که به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۹۱ بدست آمد. در پژوهش حاضر پنج سؤال (۳، ۵، ۶، ۱۰، ۳۶) حذف و تحلیل‌ها با توجه به حذف سؤال‌ها انجام شد. روایی محتوایی پرسشنامه مطلوب بود و پایایی با حذف سؤال‌ها به روش آلفای کرانباخ از ۰/۷۵ به ۰/۸۵ افزایش یافت.

جهت سنجش ساختار قدرت در خانواده، پرسشنامه ساختار قدرت در خانواده[۳۳] با ۳۶ سؤال در سه مؤلفه ساخت روابط قدرت (۱۲ سؤال)، قلمروها یا حوزه‌های قدرت (۱۴ سؤال)، و شیوه‌های اعمال قدرت (۱۰ سؤال) استفاده شد. روش نمره‌گذاری در مقیاس لیکرت پنج گزینه‌ای (۱= کاملا مخالفم، ۲= مخالفم، ۳= نظری ندارم، ۴= موافقم، ۵= کاملا موافقم) است که می‌تواند در دامنه‌ای بین ۳۶ تا ۱۰۸ قرار گیرد (مهدوی و صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۲). روایی به روش همسانی درونی این آزمون از طریق آلفای کرانباخ ۰/۷۹ است و پایایی آن نیز به روش بازآزمایی توسط سازندگان آن ۰/۷۰ به دست آمده است. نمرات ۳۶ تا ۷۲ در این آزمون نشان‌دهنده ساختار قدرت ضعیف، نمرات ۷۲ تا ۱۰۸ ساختار قدرت متوسط و بالای ۱۰۸ معرف ساختار قدرت بسیار خوب است. در پژوهش حاضر روایی محتوایی پرسشنامه مناسب مطلوب بود و پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرانباخ ۰/۸۵ به دست آمد.

برای اجرا، ابتدا با مراجعه به اداره آموزش و پرورش ناحیه یک کرمان، آمار کل دانش‌آموزان دختر پیش‌دانشگاهی ناحیه یک دریافت و پس از انتخاب حجم نمونه پژوهش با مراجعه به مدارس و هماهنگی با مدیران، پرسشنامه‌ها بین دانش‌آموزان توزیع و بلافاصله گردآوری شدند. توضیحات لازم جهت تکمیل آن‌ها و جلب رضایت و اعتماد آن‌ها صورت گرفت. داده‌های توصیفی با استفاده از آمار توصیفی (میانگین و انحراف

---

[۳۲] - children’s attitude toward their parents questionnaire
[۳۳] - power structure in the family questionnaire

معیار) و داده‌های استنباطی جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آمار استنباطی (رگرسیون به روش هم زمان) به کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ تحلیل شدند.

۵- یافته های پژوهش

در این بخش نتایج به دست‌آمده در دو بخش توصیفی (و مفروضه ها) و استنباطی ارائه شده است.

جدول ۱، نتایج مربوط به میانگین، انحراف معیار، کشیدگی[۳۴] و چولگی[۳۵] متغیرهای نگرش نسبت به پدر، نگرش نسبت به مادر، و مؤلفه‌های ساختار قدرت در خانواده را نشان می‌دهد.

جدول ۱. نتایج داده های توصیفی نگرش نسبت به پدر و مادر، و مؤلفه‌های ساختار قدرت در خانواده

	متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	چولگی		کشیدگی	
						آماره	انحراف خطا	آماره	انحراف خطا
نگرش نسبت به والدین	پدر	۲۷/۱۳	۱۴/۴۸	۱۲/۰۰	۷۷/۰۰	۱/۴۶	**۰/۱۴**	۱/۷۵	**۰/۲۹**
	مادر	۲۱/۶۰	۱۱/۸۶	۱۴/۰۰	۹۴/۰۰	۳/۳۱	۰/۱۴	۱۴/۷۹	۰/۲۹
ساختار قدرت در خانواده	ساختار روابط قدرت	۳۶/۳۴	۵/۵۷	۲۵/۰۰	۵۴/۰۰	۰/۶۱	۰/۱۴	۰/۸۴	۰/۲۹
	قلمروهای قدرت	۴۰/۱۲	۶/۸۸	۱۴/۰۰	۶۴/۰۰	-۰/۲۹	۰/۱۴	۴/۶۰	۰/۲۹
	شیوه‌های اعمال قدرت	۳۰/۸۲	۵/۹۱	۲۰/۰۰	۴۲/۰۰	۰/۲۱	۰/۱۴	-۰/۹۹	۰/۲۹

n = ۲۷۴

با توجه به نتایج جدول ۱، نگرش دانش‌آموزان دختر نسبت به پدر دارای میانگین ۲۷/۱۳ و انحراف معیار ۱۴/۴۸ (۱۴/۴۸ ± ۲۷/۱۳) و نگرش نسبت به مادر دارای میانگین ۲۱/۶۰ و انحراف معیار ۱۱/۸۶ (۱۱/۸۶ ± ۲۱/۶۰) است. بر اساس داده‌های مندرج در همین جدول، دانش‌آموزان دختر در ساختار روابط دارای میانگین ۳۶/۳۴ و انحراف معیار ۵/۵۷ (۵/۵۷ ± ۳۶/۳۴)، در قلمرو قدرت دارای میانگین ۴۰/۱۲ و انحراف معیار ۶/۸۸ (۶/۸۸ ± ۴۰/۱۲)، و در شیوه‌های اعمال قدرت دارای میانگین ۳۰/۸۲ و انحراف معیار ۵/۹۱ (۵/۹۱ ± ۸۲ /۳۰) است. شیوه نمره‌گذاری مؤلفه‌های متغیر پیش‌بینِ ساختار قدرت در خانواده (ساختار روابط قدرت، قلمروهای قدرت، و شیوه‌های اعمال قدرت) از کاملا مخالفم (۱) تا کاملا مخالفم (۵) بر اساس مقیاس فاصله‌ای لیکرت و شیوه نمره‌گذاری متغیر ملاک یا نگرش نسبت به والدین (نگرش نسبت به پدر، نگرش نسبت به مادر) از هیچ‌وقت (۱) تا همیشه (۷) نیز فاصله‌ای است، بنابراین در متغیرهای پیش‌بین و ملاک مفروضه فاصله‌ای بودن متغیرها رعایت شده است.

۳۴- Kurtosis
۳۵- skewness

در جدول ۲، نتایج بررسی مفروضه خطی‌بودن[۳۶] و عدم وجود رابطه هم‌خطی چندگانه[۳۷] بین متغیرها ارائه شده است.

جدول۲. ماتریس همبستگی ساختار قدرت در خانواده، نگرش نسبت به والدین، پدر، و مادر

		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	نگرش نسبت به پدر	۱						
۲	نگرش نسبت به مادر	۰/۴۴**	۱					
۳	نگرش نسبت به والدین	۰/۸۸**	۰/۸۱**	۱				
۴	ساختار روابط قدرت	۰/۰۹	-۰/۰۱	۰/۰۵	۱			
۵	قلمروهای قدرت	۰/۰۲	۰/۰۸	۰/۰۶	۰/۰۷**	۱		
۶	شیوه های اعمال قدرت	۰/۱۷**	-۰/۰۳	۰/۰۹	۰/۵۵**	۰/۱۰	۱	
۷	ساختار کلی قدرت	۰/۱۵**	۰/۰۲	۰/۱۱	۰/۶۵**	۰/۶۱**	۰/۷۶**	۱

$p \leq$ ۰/۰۱**

نتایج جدول ۲، در سطح معناداری ۰/۰۱ (p = ۰/۰۱) این همبستگی‌ها را نشان می‌دهد: نگرش نسبت به پدر با نگرش نسبت به مادر ۰/۴۴ (r = ۰/۴۴)، نگرش نسبت به والدین با نگرش نسبت به پدر ۰/۸۸ (r = ۰/۸۸)، نگرش نسبت به والدین با نگرش نسبت به پدر ۰/۸۱ (r = ۰/۸۱)، ساختار روابط قدرت با نگرش نسبت به پدر ۰/۰۹ (r = ۰/۰۹)، قلمروهای قدرت با نگرش نسبت به پدر ۰/۰۲ (r = ۰/۰۲)، قلمروهای قدرت با نگرش نسبت به مادر ۰/۰۸ (r = ۰/۰۸)، قلمروهای قدرت با نگرش نسبت به والدین ۰/۰۶ (r = ۰/۰۶)، قلمروهای قدرت با ساختار روابط قدرت ۰/۰۷ (r = ۰/۰۷)، شیوه‌های اعمال قدرت با نگرش نسبت به پدر ۰/۱۷ (r = ۰/۱۷)، شیوه‌های اعمال قدرت با نگرش نسبت به مادر ۰/۰۳- (r = ۰-/۰۳)، شیوه‌های اعمال قدرت با نگرش نسبت به والدین ۰/۰۹ (r = ۰/۰۹)، شیوه‌های اعمال قدرت با ساختار روابط قدرت ۰/۵۵ (r = ۰/۵۵)، شیوه‌های اعمال قدرت با قلمروهای قدرت ۰/۱۰ (r = ۰/۱۰)، ساختار کلی قدرت با نگرش نسبت به پدر ۰/۱۵ (r = ۰/۱۵)، ساختار کلی قدرت با نگرش نسبت به مادر ۰/۰۲ (r = ۰/۰۲)، ساختار کلی قدرت با نگرش نسبت به والدین ۰/۱۱ (r = ۰/۱۱)، ساختار کلی قدرت با ساختار روابط قدرت ۰/۶۵ (r = ۰/۶۵)، ساختار کلی قدرت با قلمروهای قدرت ۰/۶۱ (r = ۰/۶۱)، و ساختار کلی قدرت با شیوه‌های اعمال قدرت ۰/۷۶ (r = ۰/۷۶). از آنجا که تعداد اندکی از متغیرها دارای همبستگی بالای ۰/۳۰ هستند، بنابراین مفروضه خطی‌بودن داده‌ها رعایت شده و رابطه بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک خطی است. داده‌های مندرج در همین جدول نیز نشان می‌دهد که عدم وجود رابطه هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین و متغیرهای ملاک نیز رعایت شده است، زیرا همبستگی هیچ یک با هم بیش از ۰/۸۰ نیست.

جدول ۳، نتایج بررسی مفروضه باقیمانده‌های(خطاها) داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (K–S)[۳۸] و مفروضه مستقل بودن خطاها را با استفاده از آزمون دوربین واتسون[۳۹] (آزمون همبستگی بین خطاها) یا نبود خودهمبستگی[۴۰] (d) را نشان می دهد.

- linearity[۳۶]
- multi-collinearity[۳۷]
- Kolmogorov–Smirnov test (K–S)[۳۸]
- Durbin-Watson[۳۹]
- autocorrelation[۴۰]

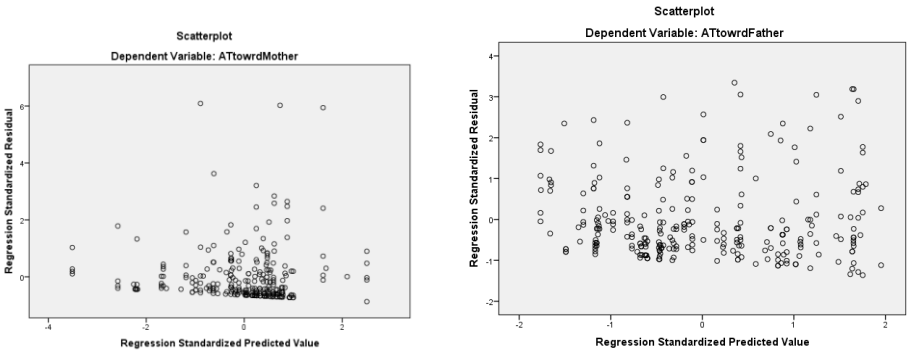
جدول۳. بررسی مفروضه باقیمانده‌های نگرش نسبت به پدر و مادر و آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

نگرش نسبت به والدین	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	کشیدگی		چولگی		K–S		*d*
					آماره	خطای معیار	آماره	خطای معیار	آماره	sig	
پدر	-۱/۳۶	۳/۳۴	۰/۰۰	۰/۹۹	۱/۳۶	۰/۲۹	۱/۳۵	۰/۱۴	۰/۱۷	۰/۰۰۰۱	۱/۸۸
مادر	-۰/۸۷	۶/۰۸	۰/۰۰	۰/۹۹	۱/۵۷۴	/۲۹	۳/۲۷	۰/۱۴	/۲۲۰	۰/۰۰۰۱	/۸۴۱

۲۷۴df =

بر اساس جدول ۳، چون میزان کشیدگی و چولگی بین ۲± قرار دارد، بنابراین توزیع باقیمانده‌های داده‌ها در هر دو نگرش نسبت به پدر و مادر نرمال هستند. از آنجا که مقادیر بدست آمده آزمون دوربین واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارند،) مفروضه مستقل بودن خطاها در هر دو توزیع نگرش‌های نسبت به پدر (d = ۱/۸۸) و مادر (d = ۱/۰۹) نیز رعایت شده است.

نمودار ۱ و ۲ مفروضه‌های همگنی واریانس‌های باقیمانده‌های (خطاها)[۴۱]متغیرهای نگرش نسبت به پدر و مادر را در تحلیل رگرسیون به روش هم‌زمان نشان می‌دهند.



نمودار ۱.ستونی باقیمانده خطاهای متغیر نمودار۲. ستونی باقیمانده خطاهای متغیر

نمودار ۱ (سنگریزه) نشان می‌دهد که توزیع واریانس خطاها مربوط به تحلیل رگرسیون به روش هم‌زمان در مورد نگرش نسبت به پدر چون الگوی خاصی وجود ندارد، بنابراین مفروضه همگنی واریانس‌های باقیمانده ها (خطاها) رعایت شده است و واریانس خطاها همگن هستند. نمودار ۲ (سنگریزه) نیز نشان می‌دهد چون که توزیع واریانس خطاها مربوط به تحلیل رگرسیون به در مورد نگرش نسبت به مادر الگوی خاصی وجود ندارد، بنابراین مفروضه همگنی واریانس‌های باقیمانده‌ها (خطاها) رعایت شده است و واریانس خطاها همگن هستند.

جدول ۴، همبستگی بین ساختار کلی قدرت در خانواده را با نگرش نسبت به والدین، نگرش نسبت به پدر، و نگرش نسبت به مادر نشان می‌دهد.

جدول ۴. نتایج رابطه ساختار کلی قدرت در خانواده و نگرش

متغیر		همبستگی	معناداری
نگرش نسبت به والدین	والدین (کلی)	۰/۱۱	۰/۰۶
	پدر	۰/۱۵	۰/۰۱
	مادر	۰/۰۲	۰/۷۰

[۴۱] - homogeneity of variance (homoscedasticity)

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که بین ساختار کلی قدرت در خانواده با نگرش نسبت به والدین رابطه معناداری وجود ندارد (۰/۰۶ = p، ۰/۱۱ = r)، بین ساختار کلی قدرت در خانواده با نگرش نسبت به پدر رابطه معناداری وجود دارد (۰/۰۱ = p، ۰/۱۵ = r)، و بین ساختار کلی قدرت در خانواده با نگرش نسبت به مادر رابطه معناداری وجود ندارد (۰/۷۰ = p، ۰/۰۲ = r). برای تایید این یافته، نتایج تحلیل رگرسیون به روش هم زمان در جدول ۶ ارائه شده است و نتایج نهایی تحلیل واریانس حاصل از رگرسیون هم‌زمان برای بررسی رابطه بین ساختار کلی قدرت در خانواده و نگرش دانش‌آموزان دختر نسبت به والدین، نگرش نسبت به پدر، و نگرش نسبت به مادر را نشان می‌دهد.

جدول ۵. خلاصه مدل رگرسیون و آماره‌های تحلیل واریانس نگرش در رابطه با ساختار خانواده

ساختار کلی خانواده

مدل	متغیرها	منابع	SS	df	MS	R	R^r	SD تخمین	F	sig.
۱	نگرش نسبت به والدین	رگرسیون	۱۷۰۲/۳۴	۱	۱۷۰۲/۳۴	۰/۱۱	۰/۰۱	۲۲/۳۵	۳/۴۰	۰/۰۶
		خطا	۱۳۵۸۷۸/۲۵	۲۷۲	۴۹۹/۵۵					
		کل	۱۳۷۵۸۰/۶۰	۲۷۳						
۱	نگرش نسبت به پدر	رگرسیون	۱۳۴۹/۳۳	۱	۱۳۴۹/۳۳	۰/۱۵	۰/۰۲	۱۴/۳۳	۶/۵۶	۰/۰۱
		خطا	۵۵۹۱۳/۳۹	۲۷۲	۲۰۵/۵۶					
		کل	۵۷۲۶۲/۷۳	۲۷۳						
۱	نگرش نسبت به مادر	رگرسیون	۲۰/۴۸	۱	۲۰/۴۸	۰/۰۲	۰/۰۰۱	۱۱/۸۸	۰/۱۴	۰/۷۰
		خطا	۳۸۴۴۳/۱۵	۲۷۲	۱۴۱/۳۳					
		کل	۳۸۴۶۳/۶۳	۲۷۳						

جدول ۵ نشان می‌دهد که هیچ یک از مدل های رگرسیون معنی دار نیستند.

جدول ۶، نتایج ضرایب رگرسیون مربوط به سهم ساختار کلی قدرت در خانواده در تبیین واریانس نگرش نسبت به والدین، نگرش نسبت به پدر، و نگرش نسبت به مادر نشان می‌دهد.

جدول۶. نتایج ضرایب رگرسیون سهم ساختار کلی قدرت در خانواده در تبیین واریانس نگرش

نگرش	مدل	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استانداردشده	t	sig
		B	خطای استاندارد	B		
نسبت به والدین	ضریب ثابت	۳۳/۴۳	۸/۳۹	۰/۱۱	۳/۹۸	۰/۰۰۰۱
	ساختار کلی قدرت	۰/۱۷	۰/۰۹		۱/۸۴	۰/۰۶
پدر	ضریب ثابت	۱۳/۵۱	۵/۳۸	۰/۱۵	۲/۵۰	۰/۰۱
	ساختار کلی قدرت	۰/۱۵	۰/۰۵		۲/۵۶	۰/۰۱
مادر	ضریب ثابت	۱۹/۹۲	۴/۴۶	۰/۰۲	۴/۴۶	۰/۰۰۰۱
	ساختار کلی قدرت	۰/۰۱	۰/۰۴		۰/۳۸	۰/۷۰

بر اساس جدول ۶، نتایج مربوط به ضرایب رگرسیون نشان می‌دهد که بین ساختار کلی قدرت در خانواده و نگرش نسبت به والدین رابطه وجود ندارد (۰/۰۶ = p، ۱/۸۴ = t)، بین ساختار کلی قدرت در خانواده و نگرش نسبت به پدر رابطه وجود دارد (۰/۰۱ = p، ۲/۵۶ = t) ولی و بین ساختار کلی قدرت در خانواده و نگرش نسبت به مادر رابطه وجود ندارد (۰/۷۰ = p، ۰/۳۸ = t).

جدول ۷، نتایج خلاصه مدل رگرسیون و آماره‌های تحلیل واریانس به منظور تعیین سهم مؤلفه‌های ساختار قدرت در خانواده در تبیین واریانس نگرش نسبت به والدین، نگرش نسبت به پدر، و نگرش نسبت به مادر نشان می‌دهد.

جدول۷. خلاصه مدل رگرسیون و آماره‌های تحلیل واریانس سهم مؤلفه‌های ساختار قدرت در خانواده در تبیین واریانس نگرش

مدل	متغیر	منابع	SS	df	MS	R	R^2	SD تخمین	F	sig.
۱	نگرش نسبت به والدین	رگرسیون	۱۷۰۲/۳۴	۱	۱۷۲۰/۳۴					
		خطا	۱۳۵۸۷۸/۲۵	۲۷۲	۴۹۹/۵۵	۰/۱۱	۰/۰۱	۲۲/۳۵	۳/۴۰	۰/۰۶
		کل	۱۳۷۵۸۰/۶۰	۲۷۳						
۱	نگرش نسبت به پدر	رگرسیون	۱۷۳۳/۰۵	۳	۵۷۷/۶۸					
		خطا	۵۵۵۲۹/۶۷	۲۷۰	۲۰۵/۶۶	۰/۱۷	۰/۰۳	۱۴/۳۴	۲/۸۰	۰/۰۴
		کل	۵۷۲۶۲/۷۳	۲۷۳						
۱	نگرش نسبت به مادر	رگرسیون	۳۲۷/۶۸	۳	۱۰۹/۲۲					
		خطا	۳۸۱۳۵/۹۵	۲۷۰	۱۴۱/۲۴	۰/۰۹	۰/۰۰۹	۱۱/۸۸	۰/۷۷	۰/۵۱
		کل	۳۸۴۶۳/۶۳	۲۷۳						

بر اساس داده‌های مندرج در جدول ۷، F بدست‌آمده مربوط به مؤلفه‌های ساختارهای قدرت در خانواده (ساختار روابط قدرت، قلمروهای قدرت، و شیوه‌های اعمال قدرت) در رابطه با نگرش دانش‌آموزان دختر نسبت به والدین معنادار (p = ۰/۰۶، $F_{(۱ ،۲۷۲)}$ = ۳/۴۰) نیست. چون همبستگی چندگانه نگرش نسبت به والدین دارای ضریبی برابر با ۰/۱۱ است، نتیجه این است که ۰۱٪ تغییرات ایجاد شده در نگرش نسبت به پدر توسط مؤلفه‌های متغیر پیش‌بین ساختار قدرت در خانواده (ساختار روابط قدرت، قلمروهای قدرت، شیوه‌های اعمال قدرت) قابل تبیین هستند. نتایج F بدست‌آمده مربوط به همین مؤلفه‌ها در رابطه با نگرش دانش‌آموزان دختر نسبت به پدر معنادار (۰/۰۴ = p، ۲/۸۰ = $F_{(۳ ،۲۷۰)}$) است. از آنجا که نگرش نسبت به پدر دارای ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۱۷ است، نتیجه گرفته می‌شود که ۰۳٪ تغییرات ایجاد شده در نگرش نسبت به پدر توسط مؤلفه‌های متغیر پیش‌بین ساختار قدرت در خانواده (ساختار روابط قدرت، قلمروهای قدرت، شیوه‌های اعمال قدرت) تبیین می‌شوند. نتایج F بدست‌آمده معنادار (p = ۰/۵۱، $F_{(۳ ،۲۷۰)}$ = ۰/۷۷) نیست، بنابراین می‌توان گفت که مؤلفه‌های ساختارهای قدرت در خانواده (ساختار روابط قدرت، قلمروهای قدرت، و شیوه‌های اعمال قدرت) نگرش دانش‌آموزان دختر را نسبت به مادر تبیین نمی‌کند. به عبارتی از آنجا که نگرش نسبت به مادر دارای ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۰۹ است، نتیجه گرفته می‌شود که ۰۰۹٪ تغییرات ایجاد شده در نگرش نسبت به مادر توسط مؤلفه‌های متغیر پیش‌بین تبیین می‌شوند.

جدول ۸، نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به روش هم زمان مربوط به سهم متغیرهای پیش بین در تبیین واریانس نگرش دانش‌آموزان دختر نسبت به پدر و مادرشان را نشان می‌دهد.

جدول۸. نتایج ضرایب رگرسیون مربوط به سهم مؤلفه های ساختار قدرت در خانواد در تبیین واریانس نگرش نسبت به والدین

نگرش نسبت به والدین	مدل	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استانداردشده	t	sig
		B	خطای استاندارد	B		
پدر	ضریب ثابت	۱۳/۱۶	۷/۴۹		۱/۷۵	۰/۰۸
	ساختار روابط قدرت	۰/۰۰۴	۰/۱۸	۰/۰۰۱	۰/۰۲	۰/۹۸
	قلمروهای قدرت	۰/۰۲	۰/۱۲	۰/۰۱	۰/۱۷	۰/۸۶
	شیوه‌های اعمال قدرت	۰/۴۲	۰/۱۷	۰/۱۷	۲/۳۸	۰/۰۱
مادر	ضریب ثابت	۱۸/۰۹	۶/۲۱		۲/۹۱	۰/۰۰۴
	ساختار روابط قدرت	۰/۰۲	۰/۱۵	۰/۰۱	۰/۱۴	۰/۸۸
	قلمروهای قدرت	۰/۱۴	۰/۱۰	۰/۰۸	۱/۳۹	۰/۱۶
	شیوه‌های اعمال قدرت	-۰/۱۰	۰/۱۴	-۰/۰۵	-۰/۶۹	۰/۴۸

بر اساس داده‌های مندرج در جدول ۸، فقط بین شیوه‌های اعمال قدرت و نگرش نسبت به پدر رابطه وجود دارد (p = ۰/۰۱، ۲/۳۸ = t) و بین بقیه متغیرها رابطه معناداری وجود ندارد: در ساختار قدرت در خانواده، بین ساختار روابط قدرت و نگرش نسبت به پدر (p = ۰/۹۸، t = ۰/۰۲)، بین قلمروهای قدرت و نگرش نسبت به پدر رابطه (p = ۰/۸۶، t = ۰/۱۷)، بین شیوه‌های اعمال قدرت و نگرش نسبت به پدر (p = ۰/۰۱، t = ۲/۳۸)؛ در ساختار قدرت در خانواده بین ساختار روابط قدرت و نگرش نسبت به مادر (p = ۰/۸۸، t = ۰/۱۴)، بین قلمروهای قدرت و نگرش نسبت به مادر (p = ۰/۱۶، t = ۱/۳۹)، و بین شیوه‌های اعمال قدرت و نگرش نسبت به مادر (p = ۰/۴۸، t = -۰/۶۹).

بحث

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه ساختار قدرت در خانواده با نگرش فرزندان نسبت به والدین خود بود. برای بررسی دقیق‌تر به پاسخ به سؤال‌ها پرداخته می شود:

پاسخ به سؤال اول پژوهش مثبت است و نتیجه گرفته می‌شود که نگرش نسبت به پدر، نگرش نسبت به مادر را تبیین می‌کند و بین نگرشی که دانش‌آموزان در مورد پدر خود دارند با نگرشی که دانش‌آموزان در مورد پدر خود دارند همبستگی وجود دارد. به این معنی که بین ذهنیت دانش‌آموزان نسبت به پدر و مادر هماهنگی وجود دارد. این یافته با یافته سجادی، مهرابی‌زاده هنرمند، ارشدی، زرگر، و سجادی (۱۳۹۴) در مورد نگرش پسران دبیرستانی که در دوران کودکی تروماهایی را تجربه کرده بودند، و با یافته چودهاری و جابین (۲۰۰۸) در مورد فعالیت‌های فرزندپروی هم‌خوانی دارد. این یافته این گونه تبیین می‌شود: خانواده اولین محلی است که فرزند تحت سرپرستی والدین قرار می‌گیرد (سپاه‌منصور، امامی‌پور، و حسن‌زاده فرشید، ۱۳۸۸)، بنابراین از دیدگاه روان‌شناسان رشد، خانواده محل رشد هیجانی، شناختی، و کسب صلاحیت‌های اجتماعی محسوب می‌شود. به همین دلیل تعاملات بین والد-فرزند در این مکان شکل می‌گیرد (سجادی و همکاران، ۱۳۹۴). به خاطر این تعاملات به صورت متقابل در فرزندان نگرش‌هایی نسبت به والدین بوجود می‌آید و تکامل می‌یابد (واسلیا[۴۲]، ۲۰۱۰؛ وانگ[۴۳]، ۲۰۰۷). فرزندان از والدین خود انتظارات مشابه و گاه یکسان دارند (چودهاری و جابین، ۲۰۰۸). نگرش نسبت به والدین همدلانه است و با این دیدگاه که نظر والدین شنیده و ارزش‌گذاری می شود، سر و کار دارد. در نتیجه والدین در کنار آمدن با مشکلات فرزندانشان توانمند و در توانایی‌هایشان دارای اعتماد به نفس خواهند شد (بخش آموزش و مهارت (DfES)[۴۴]، ۲۰۰۶). اگر انتظارات مثبت فرزندان نسبت به وظایف والدین برآورده شود، فرزندان پدر و مادر را دوست خواهند داشت (حسین‌خانزاده، طاهر، سیدنوری، یحیی‌زاده، عیسی‌پور، ۱۳۹۲) و هر چه نگرش فرزند نسبت به یکی از والدین به طور مثال پدر منفی‌تر باشد، پیامد آن در رابطه پدر-فرزندی منفی‌تر خواهد بود (کلانترهرمزی و کانی سانانی، ۱۳۹۴).

پاسخ به بخشی از سؤال دوم پژوهش مثبت و بخشی از آن منفی است. نتیجه گرفته می‌شود که ساختار کلی قدرت در خانواده نگرش نسبت به والدین و جدا نگرش نسبت به مادر را تبیین نمی‌کنند و بین این ساختارهای کلی و نگرش‌هایی که فرزندان دختر نسبت به والدین و نسبت به مادر خود دارند رابطه‌ای وجود ندارد و به عبارتی توسط آن تبیین نمی‌شود. این یافته این گونه تبیین می‌شود: ساختار قدرت در خانواده‌ها در بیشتر کشورهای جهان تغییر کرده است. مادران جذب بازار کار شده‌اند (رجکی[۴۵]، ۲۰۱۴؛ سیرکاراسکا[۴۶]، ۲۰۱۴؛ محمدی، ۱۳۹۱) و این باعث تغییرات ساختار قدرت در خانواده شده است (امینی، امینی، و حسینیان، ۱۳۹۲). این قضیه هم‌چنین سبب تغییرات زیادی در نقش قدرت مرد به عنوان پدر شده است. در ساختار جدید از پدر انتظار همدلان عاطفی و همکاری عادلانه در وظایف مربوط به خانواده شده است (سیرز، ۱۳۹۳) و بیشترین انتظاری که فرزندان از والدین خود دارند، اخلاق خوب در خانواده است (فرهود، ۱۳۹۱)، و دریافت محبت است نه اعمال قدرت (اقدسی و همکاران، ۱۳۹۰؛ چودهاری و جابین ، ۲۰۰۸). پاسخ به بخش مربوط به پدر در سؤال دوم مثبت است و نتیجه گرفته می‌شود که ساختار کلی نگرش نسبت به پدر را تبیین می‌کند و به عبارتی ساختار کلی قدرت در خانواده با نگرش دانش‌آموزان دختر رابطه دارد. یافته مستقیمی که با این یافته هم‌خوانی داشته باشد یافت نشد ولی به طور ضمنی و غیرمستقیم این یافته‌ها با نتایج پژوهش های بامریند (۱۹۷۱، ۱۹۹۹) در این زمینه که شیوه اعمال قدرت مقتدرانه رابطه گرم و صمیمانه‌ای را بین اعضای خانواده و به خصوص فرزندان ایجاد می‌کند، هم‌خوانی دارد.این یافته این‌گونه تبیین می‌شود که: هر چه شیوه‌های به کار برده شده از طرف پدر متعادل‌تر باشد نگرش فرزندان نسبت به او مناسب‌تر خواهد بود.

پاسخ به بخشی از سؤال سوم پژوهش مثبت و بخشی از آن منفی است. نتیجه گرفته می‌شود که بین مؤلفه‌های ساختارهای قدرت (ساخت روابط قدرت در خانواده، قلمروهای قدرت، و شیوه‌های اعمال قدرت) و نگرشی که فرزندان دختر نسبت به والدین و نسبت به مادر

---

[۴۲] - Vasilyeva
[۴۳] - Wang
[۴۴] - Department for Education and Skills (DfES)
[۴۵] - Rajkai
[۴۶] - Sikorska

خود دارند رابطه‌ای وجود ندارد و به عبارتی توسط آن‌ها تبیین نمی‌شوند. این یافته این گونه تبیین می‌شود: آنچه نگرش فرزندان را نسبت به والدین را تبیین می‌کند، روابط حسنه، صمیمیت، صداقت، و دوستی بین است تا روابط قدرت‌مدار. به طور مثال هر چه روابط افقی‌تر باشد و به عبارتی هر چه در بین اعضای خانواده مشارکت و هماهنگی بیشتری وجود داشته باشد، اعضا راضی‌تر و زندگی بهتری دارند. بنابراین هر چه روابط در خانواده مستحکم‌تر باشد فرزندان به سمت نگرش مثبت پیش می‌روند و با کاهش این استحکام نگرش نیز منفی می‌شود. از آنجا که تاثیر روابط بر مثبت و منفی شدن نگرش فرزندان مشهود است. پاسخ به این بخش از سؤال در مورد تبیین نگرش نسبت به پدر توسط دو ساختار قدرت خانواده (ساخت روابط قدرت در خانواده و قلمروهای قدرت) منفی است و نتیجه گرفته می شود که آن‌ها با نگرش نسبت به پدر رابطه ندارند و به عبارتی آن را تبیین نمی‌کنند. تبیین این یافته این گونه است: تغییر در ساختار قدرت خانواده و اشتغال مادران (امینی و همکاران، ۱۳۹۲؛ رجکی، ۲۰۱۴ سیرکاراسکا، ۲۰۱۴؛ محمدی، ۱۳۹۱) و پذیرش نقش های جدید از سوی پدران و ایجاد روابط مبتنی بر همدلی و عدالت (سیرز، بی تا؛ ترجمه شرفی، ۱۳۹۳). اخلاق خوب والدین (حسن‌زاده، ۱۳۹۳؛ فرهود، ۱۳۹۱)، روابط حسنه، صداقت، مشارکت، و هماهنگی ساخت مبتنی بر قدرت و قلمرو قدرت در تضاد است (ساروخانی و دودمان، ۱۳۸۹). البته در این سؤال مؤلفه سوم (شیوه‌های اعمال قدرت) با نگرش فرزندان دختر با پدر رابطه وجود دارد و به عبارتی شیوه‌های اعمال قدرت توانایی این را دارند که نگرش دانش‌آموزان دختر را نسبت به پدر تبیین کنند. یافته ای که دقیق همین متغیرها را مورد بررسی قرار داده باشد یافت نشد ولی به طور ضمنی این یافته با یافته‌های بخش جهانشاهی (۱۳۹۲)، حمیدی (۱۳۸۳)، بلالی و همکاران (۱۳۹۳)، بخش آموزش و مهارت (۲۰۰۶)، خیاط (۱۳۸۶) و (احمدی و سنگده، ۱۳۹۴) هم‌خوان است. این یافته با نتایج ظهیری و فتحی (۱۳۸۹) نیز هم‌خوانی دارند. می‌توان این یافته این گونه تبیین می‌شود: تغییر نقش جدید پدرانه و انتظار دریافت همدلی و همکاری عادلانه (سیرز، ۱۳۹۳)، انتظارات خاص دریافت خوش اخلاقی (حسن‌زاده، ۱۳۹۳؛ فرهود، ۱۳۹۱) و محبت نه قدرت فرزندان از والدین (چودهاری و جابین ، ۲۰۰۸). نوع اعمال قدرت بیشتر روابط بین فرزندان و الدین را تعیین می‌کند. به موازات رشد کودک به جهت روند مدرسه‌ای شدن حمایت والدین اهمیت بیشتری را پیدا می‌کند. منظور از حمایت هر نوع فعالیت یا تسهیلات در جهت فراهم نمودن اطلاعات، نصیحت، و پشتیبانی والدین و مراقبت در کمک به آنها در رشد فرزندان تعریف می‌شود (بخش آموزش و مهارت، ۲۰۰۶). ارتباط دو طرفه با نوجوانان، روابط صمیمانه مطمئن و امن، با دقت گوش‌دادن و پذیرفتن و تشویق بدون تمسخر، با هم سینمارفتن و قدم‌زدن در پارک، خرید و ورزش با هم، مشورت‌کردن و سهیم نمودن نوجوان در برنامه‌ریزی خانواده، توجه به نیازها و علائق نوجوانان، و به طور کلی احترام گذاشتن به آن‌ها همه روش‌های مثبت اعمال قدرت هستند. در این سبک خانواده ها فرزندان خوب تربیت می‌شوند در حالی که در خانواده‌های مستبد که از اعمال قدرت زور استفاده می شود، فرزندان دارای اعتماد به نفس پایین‌تری هستند و در خانواده‌های سهل‌گیر و بی‌اعتنا فرزندان پرخاشگر با خویشتن‌داری کمتری بار می آیند (خیاط، ۱۳۸۶). نوع مشارکت و پیچیدگی کار نوع مشارکت و ارتباط را تعیین می‌کند. در سطوح پایین تصمیم‌گیری مشارکت و مشاعیت بیشتر دیده می‌شود تا سطوح بالای تصمیم‌گیری (ساروخانی و دودمان، ۱۳۸۹).

در مورد دختران اعمال قدرت بیشتر و نظارت بالاتری اعمال می‌شود. فی نفسه نظارت بد نیست و برای هر دو پسر یا دختر نظارت باعث می‌شود که فرزندان بهتر تربیت شوند (احمدی و سنگده، ۱۳۹۴). به طور حتم این گونه استنباط می‌شود که فرزندان سالم نگرش بهتری نسبت به پدر خود دارند و احساس رهاشدگی ندارند. سوء رفتار و بدرفتاری نوع منفی اعمال قدرت است که منجر به فرار و بیزاری فرزندان دختر و فرار از خانه می‌گردد (بلالی و همکاران، ۱۳۹۳؛ جهانشاهی، ۱۳۹۲؛ حمیدی، ۱۳۸۳). پس به این نتیجه می‌توان رسید که اعمال قدرت در خانواده با نگرش فرزندان نسبت به پدر رابطه مستقیمی دارد (ساروخانی و دودمان، ۱۳۸۹). با مشارکت پدر در حوزه‌های مختلف خانواده نگرش مثبت‌تری در فرزندان ایجاد می‌شود. .بنابراین از آن‌جا که تشریک مساعی زوجین در نوع ارتباط و نگرش فرزندان نقش دارد.

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال بود که آیا ساختار قدرت خانواده نگرش فرزندان دختر را نسبت به والدینشان تبیین می‌کند. از کل بحث این‌گونه نتیجه گرفته می‌شود که ساختار قدرت در خانواده خیلی نگرش فرزندان دختر را نسبت به والدین، پدر، و یا مادر تبیین نمی‌کند. اصولا فرزندانی که نگرش مثبت نسبت به والدین خود دارند و از یک ساختار متعادل در خانواده خبر می‌دهند، گرمی، محبت، ادراک و امیدواری بیشتری نسبت به تمام جنبه‌های زندگی خود دارند. بنابراین در رویارویی با مشکلات زندگی از راهبرد خشونت برای حل کردن آن‌ها استفاده نمی‌کنند و به‌جای خشونت، امیدواری و ادراک خود را پرورش می‌دهند. فرزندان با نگرش مثبت از اخلاق و ارتباط خوب با والدینشان خبر می‌دهد و معمولا والدین نیز با فرزندان خود راحت‌تر کنار می‌آیند. در نتیجه فرزندان محبت و ارتباط حسنه را در خانواده خود جست‌وجو می‌کنند و در این خانواده‌ها معمولا فرزندان سعی می‌کنند با پدر و مادرشان روابط خوبی داشته باشند. در نتیجه می‌توان گفت که به طور کلی اگر ساختار قدرت در خانواده تصحیح گردد، نگرش فرزندان نسبت به والدین، پدر، و یا مادر نیز مثبت ترخواهد شد.

محدودیت‌های پژوهش این بود که در فصل امتحانات مدارس پرسشنامه ها توزیع و گردآوری شدند که دسترسی به داده‌ها با سختی حاصل شد. محدودیت دوم نتایج فقط قابلیت تعمیم‌پذیری به دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی ناحیه یک کرمان را داراست. طفره رفتن تعدادی از معلمان در جهت توزیع پرسشنامه‌ها، امکان توضیح دقیق برای پاسخ‌گویی را نیز محدود کرد. علامت نزدن تعدادی از سؤالات از طرف برخی از دانش‌آموزان به دلیل نامفهوم بودن برخی سؤال‌ها از نظر آن‌ها باعث از دست رفتن بخشی از داده‌ها شد. پیشنهاد می‌شود که این پژوهش روی سایر نمونه‌های آماری اجرا گردد. استفاده از شیوه مصاحبه با والدین و دانش‌آموزان در کنار ابزار پژوهشی حاضر لحاظ شود. توصیه می‌شود که از روش آزمایشی برای بررسی دقیق‌تر اثربخشی آموزش اعمال منطقی قدرت در خانواده استفاده کرد تا بتوان اطلاعات مطمئن‌تری را کسب و از آن در جهت بهبود روابط فرزندان با والدینشان بهره برد. از جنبه کاربردی، کارگاه‌های آموزشی جهت بهبود نگرش فرزندان و روابط والدین تدوین و ارائه داد و والدین را از شیوه‌های مناسب اعمال قدرت و تاثیر آن بر گرمی و سردی روابط خانوادگی و هم‌چنین چگونگی تاثیر آن بر تغییر نگرش فرزندانشان مطلع کرد.

منابع

احمدی و سنگده، ۱۳۹۴). مقایسه رفتارهای پرخطر در نوجوانان خانواده‌های نظامی و غیرنظامی. طب انتظامی، ۵(۲)، ۴۷-۵۴.

اقدسی، ع. ن.، نجفی، ن.، س، اسماعیلی، ر.، پناه علی، ا.، و محمدی، ا. (۱۳۹۰). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری والدین نوجوانان پسر بزهکار و عادی، مجله زن و مطالعات خانواده، ۴(۱۳)، ۱۴۱-۱۵۱.

امیری، ع. ن، همتی، م.، و مبینی، م. (۱۳۸۹). اخلاق حرفه ای، ضرورتی برای سازمان. معرفت اخلاقی، ۱(۴)، ۱۳۷-۱۵۹.

امینی، م.، امینی، ی.، و حسینیان، س. (۱۳۹۲). بررسی مقایسه‌ای عوامل مؤثر بر ساختار قدرت در بین خانواده‌های زنان شاغل و غیرشاغل. مطالعات اجتماعی-روان شناختی زنان، ۱۱(۲)، ۸۳-۱۱۲.

بلالی، ا.، خان‌محمدی، ج.، و هوشمندی یاور، م. (۱۳۹۳). بررسی عوامل درون خانوادگی مؤثر بر خانه گریزی دختران (مطالعه موردی: دختران خانه گریز و غیر خانه گریز شهر همدان). فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده، ۹(۲۸)، ۱۲۷-۱۵۷.

توحیدی، ا. (۱۳۹۲). تدوین نسخهٔ کوتاه مقیاس نگرش به والدین برای نوجوانان. ارائه مقاله در ششمین همایش بین المللی روانپزشکی کودک و نوجوان. تبریز: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز.

ثقفی‌نژاد، م.، پورکسمایی، م.، و فلاحی، ر.، (۱۳۹۰). تاثیر ساختار قدرت در خانواده بر مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان_مطالعه موردی زنان ۱۵-۲۹ سال منطقه ۲ و ۱۸ شهر تهران. مجله مطالعات جامعه‌شناختی ایران، ۲، ۴۰-۲۹.

جهانشاهی، م. (۱۳۹۲). رابطه شیوه های فرزند پروری والدین، عزت نفس و خودکارآمدی عمومی با پیشرفت تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد. کرمان، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.

حسن‌زاده، ص. (۱۳۹۳). عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی. پژوهش نامه معارف قرآنی، ۴(۱۵)، ۴۵-۶۸.

حسین‌خانزاده، ع.، طاهر، م.، سیدنوری، س. ز.، یحیی‌زاده، آ.، و عیسی‌پور، م. (۱۳۹۲). رابطه شیوه نعامل والد-فرزند با میزان اعتیادپذیری و گرایش به جنس مخالف در دانشجویان. اعتیادپژوهی، ۷(۲۸)، ۵۹-۷۴.

حمیدی، ف. (۱۳۸۳). تاثیر ساخت خانواده بر فرار دختران. زن در توسعه و سیاست، ۲(۳)، ۸۵-۱۰۱.

خاکپور، ا، نظری، ع، زهراکار، ک، (۱۳۹۴). نقش ابعاد ساختار قدرت خانواده در سازگاری زناشویی. فصلنامه فرهنگی_تربیتی زنان و خانواده، ۹(۳۰)، ۸-۲۶.

زارعی توپخانه، م، جان‌بزرگی، م، احمدی‌محمدآبادی،م، (۱۳۹۲). بررسی ساختار قدرت در خانواده با کارآمدی آن، روان‌شناسی و دین، ۹(۳)، ۵۳-۷۰.

ساربان، ح، عیسی‌مراد، ا، طبیبی، ز، (۱۳۹۲). ارتباط نگرش‌های تربیتی والدین با ابعاد سلامت روانی_اجتماعی (خودپنداره و تعامل اجتماعی) نوجوانان دختر. مجله روانشناسی مدرسه، ۲(۳)، ۹۷-۱۲۴.

ساروخانی، ب.، و دودمان، ل. (۱۳۸۹). ساختار قدرت در خانواده و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی. جامعه شناسی مطالعات جوانان، ۱(۱)، ۱۰۵-۱۲۹.

سپاه‌منصور، م.، امامی‌پور، س.، و حسن‌زاده فرشید،س. (۱۳۸۸). رابطه سبک های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض فرزند-والد بر نگرش فرزندان نسبت به والدین. اندیشه و رفتار، ۴(۱۴)، ۶۵-۷۵.

سپهری، ص، پاکدامن، ش، (۱۳۸۹). الگوهای ارتباطی خانواده و تعارضات فرزندان و والدین، مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۱(۲)، ۷۵-۹۱.

سجادی، س. ف.، مهرابی‌زاده هنرمند، م.، ارشدی، ن.، زرگر، ی.، و سجادی، س. ف. (۱۳۹۴). پیش بینی ناگویی خلقی در نوجوانان بر اساس تروماهای اوایل زندگی و نگرش به والدین. مجله اصول بهداشت روانی، ۱۷(۳)، ۱۰۵-۱۰۹.

سیرز، و. (بی تا). نقش پدر در مراقبت و تربیت کودک. ترجمه شرفی، ش. (۱۳۹۳). تهران: صابرین.

شکوهی یکتا، م، پرند، ا، فقیهی، ع، (۱۳۸۵). مطالعه تطبیقی فرزندپروری، فصلنامه تربیت اسلامی، ۲(۳)، ۱۱۵-۱۴۰.

ظهیری، ه، فتحی، س، (۱۳۹۰). مدیریت خانواده در نظریه‌های جامعه‌شناسی در مقایسه با نظریه علامه طباطبایی. پژوهشنامه قرآن و حدیث، ۸، ۹۰-۱۲۰.

عطایی‌فر، ر. و امیری، ش.، (۱۳۹۵). آزمون مدل علّی رابطه ارتباط مؤثر همسران ورابطه والد- فرزندی برای آموزش والدین دانش آموزان دوره ابتدایی. فصلنامه علمی- پژوهشی خانواده و پژوهش، ۱۳ (۱)، ۲۹-۳۷.

فرهود، د. (۱۳۹۱). آموزش اخلاق. فصلنامه اخلاق در علوم و فنّاوری، ۶(۳)، ۱-۵.

قاعدی موصلو، ع.، حسن‌شاهی، ک.، و سعادت، س. ا. (۱۳۹۴؛ ۱۵ دی ماه). نقش خانواده در تربیت فرزند. ارائه مقاله در سومین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی. قم، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.

کلانترهرمزی، آ، کانی‌سانان، ا، (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین نگرش نوجوانان نسبت به پدر و احساس تنهایی، مجله فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۶(۲۳)، ۴۵-۶۷.

گلی، م. (۱۳۹۴). نقش والدین در پرورش عزت نفس فرزندان و سلامت معنوی آنان از دیدگاه اسلام. فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ پزشکی، ۷(۲۵)، ۱۰۱-۱۲۸.

محمدرضایی، م.، و محمدرضایی، و م. (۱۳۹۴). بررسی فلسفه اخلاق تکلیف گرایانه کانت در سازمان (مقایسه آن با منشور اخلاقی جهانی سازمان. مدیریت فرهنگ سازمانی، ۱۳(۲)، ۵۳۷-۵۵۷.

محمدی، س. ب. (۱۳۹۱). شناسایی شاخص‌های قدرت در خانواده به روش تحقیق کیفی. جامعه پژوهی فرهنگی، ۳(۱)، ۱۳۹-۱۵۸.

معیدفر، س، صبوری خسروشاهی، ح، (۱۳۹۰). تعارض فرزندان با والدین در سبک زندگی، فصلنامه علوم اجتماعی، برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۳(۷)، ۶۸-۹۷.

مندمی، ش.، و رحیمی، ن. (۱۳۹۵، ۳۰ اردیبهشت). نگرش فرزندان نسبت به والدین خود. ارائه مقاله در کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم. فارس، شیراز: شرکت ایده بازار صنعت سبز.

موحد، م، عنایت، ح، مردانی، م، (۱۳۹۱). مطالعه عوامل زمینه‌ای مرتبط با ساختار توزیع قدرت در خانواده (نمونه موردی زنان متاهل شهر شیراز). فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱(۳)، ۱۵۹-۱۷۸.

مهدوی، م. ص. و صبوری خسروشاهی، ح. (۱۳۸۲). بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده. مطالعات زنان، ۱(۲)، ۲۷-۶۷.

Barbato, C. A., Graham, E. E., & Perse, E. M. (2003). Communicating in the family: An examination of the relationship of family communication climate and interpersonal communication motives. *Journal of Family Communication*, *3*(3), 123-148.

Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology*, *4*(1, Pt.2), 1-103. doi: 10.1037/h0030372

Baumrind, D. (1999). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. Adolescents and their families. *Structure, function, and parent-youth relationships*, 22-61.

Carapito, E., Ribeiro, M. T., Pereira, A. I., & Roberto, M. S. (2018). Parenting stress and preschoolers' socio-emotional adjustment: the mediating role of parenting styles in parent–child dyads. *Journal of Family Studies*, 1-17.

Ceka, A., & Murati, R. (2016). The Role of parents in the education of children. *Journal of Education and Practice*, *7*(5), 61-64.

Choudhury, I., & Jabeen, S. F. (2008). *Perception of children on parenting practices.* Kathmandu, Nepal: Save the Children Sweden; Regional Office for South and Central Asia.

Department for Education and Skills (DfES). (2006). *Parenting support: Guidance for local authorities in England*. London, United Kingdom.

Giuli, C. A., & Hudson, W. W. (1977). Assessing parent–child relationship disorders in clinical practice: The child's point of view. *Journal of Social Service Research*, *1*(1), 77-92.

Grotevant, H. D., & Carlson, C. I. (1989). *Family assessment: A guide to methods and measures*. Guilford Press.

Gürbüz, E., & Kıran, B. (2018). Research of Social Skills of Children Who Attend to Kindergarten According to the Attitudes of Their Mothers. *Journal of Education and Training Studies, 6*(3), 95-100.

Grusec, J. E. & Danyliuk, T. (2007). Parents' attitudes and beliefs: Their impact on children's development. In Encyclopedia on early childhood development. Retrieved from http://www.child-encyclopedia.com/parenting

Hudson, W. W. (1992). Child's attitude toward father and mother scales (instruments for children). In Fischer, J.; Corcoran, K. J. (2007). *Measures for clinical practice and research: A sourcebook*. (4th ed.). NY: Oxford University Press. Vol. 1, Pages: 457-459.

Itkin, W. (1955). Relationships between attitudes toward parents and parents' attitudes toward children. *The Journal of Genetic Psychology*, *86*(2), 339-352.

Karimova, A., Alekeshova, L., Yesengulova, M., Kulbaevac, B., & Sarkulov, M. (2015, Aug. 15). The social role approach of family education in adolescents development. *European Proceedings of Social and Behavioural Sciences, EpSBS*, 4-10.

Landry, S. H. (2014). *The role of parents in early childhood learning.* New York: Parenting Skills.

Olson David H. (1969). The measurement of family power by self-Report and Behavioral methods. *Journal of Marriage and the Family*, 31, 545-550. Retrieved from ERIC Documents (EJ008452).

Omer, S., & Jabeen, S. (2015). The Role of Family in Teaching Religious and Moral Values to their Children in Urban areas: A Case Study of Lahore (Pakistan). Pakistan Vision, 16(1), 258.

Sikorska, M. (2014). *Changes in the area of family life in Poland: Family and social change in socialist and post-socialist societies*, 122-163. Chapter doi: 10.1163/9789004276833_006

Vasilyeva, A. L. (2010). *Creating deliberation in the context of social conflict: The examination of mediator practices for shaping an interactivity in dispute mediation.* Doctoral Dissertation. New Brunswick, New Jersey: Rutgers University-Graduate School-New Brunswick.

Wang, Y. C. (2007). *Parenting behavior and child adjustment in a sample of mainland Chinese adolescents.* Greensboro, NC: The University of North Carolina at Greensboro.

مجله علمی پژوهش درمدیریت ومطالعات اجتماعی، شماره ۱۶ ، تابستان ۱۳۹۸، ص ۹۷-۸۱
http://www.jmss.ir

The relationship between the Power in the Family and Girl Offsprings' Attitude toward Their Parents

Farnazsadat Pourhoseini[۴۸] Afsaneh Towhidi[۴۷]

Abstract

The present research was aimed to investigate the relationship between daughters' attitude towards father, mother, and parents with family power structure. The method is descriptive of the correlational kind. Using simple cluster sampling method, 274 girl students were recruited and completed the family power structure and revised children's attitude toward parents' questionnaires. The results of the analyses using regression, the enter method, shows that there is a relationship between the attitude toward father and the attitude toward mother with each other and family implementing power with the attitude toward father. There are no relationships between family power relationship structure and the family power domains with the attitude toward father. There are no relationship between family power relationship structure, family power domains, and family implementing power with the attitude toward mother and or the attitudes toward parents. Overall, it is concluded that the family power structure plays a scanty role related to girl offsprings' attitude. Instead of imposing power, good morals, sincere relationships, and fair decision makings would have a role in providing their positive attitudes.

Keywords: attitude, structure, relationships, domain, implementation

[۴۷] - Assistant professor, Department of Psychology, Faculty of literature and humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman Iran(corresponding author atrowhidi@uk.ac.ir)

[۴۸] - MSc student in Family Counselling, Faculty of literature and humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman Iran pourhoseini95@gmail.com